



مهدی احمدی

مقدمه

خداوند به دو گونه با آفریدگانش به ویژه انسان رابطه تفهیمی برقرار کرده است: ۱. گونه کلامی ۲. گونه غیر کلامی. بر اساس آیات قرآنی پدیده های طبیعی همه آیات الهی اند یعنی با تدبیر و ژرف نگری در یکایک آنها انسان به صفات حق تعالی راه می یابد و خداوند به وسیله آنها با انسان سخن می گوید. در نوع رابطه کلامی به موجب بیانات قرآن، خداوند با انسان سخن گفته است و این رابطه با الفاظ: کلام، قول، نبأ، القص، وحی و... بیان شده است<sup>۱</sup>.

حقیقت کلام یعنی اثر و خاصیت مترتب بر آن که عبارت از تفهیم مقصود، آشکار کردن نهان و غیب و علنی کردن پوشیده ها و اسرار درونی، درباره خداوند، صادق است؛ و در قرآن بر این فعل الهی، کلام و قول اطلاق شده است. کیفیت کلام خدا با کلام آدمیان فرق دارد. کلام متعارف در میان افراد بشر متکی بر دستگاه های جسمانی و مادی است و مایه تکامل و پیشرفت می باشد در حالی که خداوند جسم نیست و خواص ماده را ندارد و نیز نقصی ندارد تا بدین وسیله کامل گردد «لیس کمثله شیء» (شوری، ۴۲/۱۱).

بنابراین، تفاوت کلام خدا با کلام بشر به اختلاف مصداق یا اختلاف مراتب بر



می‌گردد. یعنی مصداق یا مرتبه کلام آدمی، الفاظ و کلمات است، لکن مصداق و مرتبه کلام خدا دارای کیفیت و گونه دیگری است و ما آدمیان، حقیقت چیزی که خدا آن را کلام می‌نامد و با آن با پیامبرانش سخن می‌گوید و نیز چگونگی تحقق آن را نمی‌دانیم و درک نمی‌کنیم، لکن چیزی که می‌فهمیم این است که خواص و آثار کلام بشری از آن سلب نمی‌شود<sup>۲</sup>.

### مطالب قابل طرح

پیش از این در نوشته دیگری با عنوان معنای کلام الهی (بیتات، ش ۲۴) متذکر شدیم که در موضوع کلام الهی سه مطلب قابل طرح وجود دارد: اول معنای کلام الهی، دوم حقیقت و کیفیت کلام الهی و سوم کیفیت وحی قرآن مجید. در این نوشتار به تفصیل و توضیح مطلب دوم یعنی حقیقت و کیفیت کلام الهی می‌پردازیم.

### حقیقت کلام الهی

در این باره باید گفت: بدون شک ما نمی‌توانیم درباره حقیقت این ارتباط، اطلاع زیادی پیدا کنیم چرا که این نوع ادراکی است خارج از حدود ادراکات ما و یک نوع ارتباطی است خارج از ارتباط‌های شناخته شده بشر، حقیقت این رابطه، وضعی اسرارآمیز دارد. تنها مطلبی که برای ما در اینجا قابل طرح و معقول است اصل وجود یا امکان چنین رابطه مرموزی است و هیچ دلیل عقلی که نافی امکان چنین امری باشد وجود ندارد و به عکس آثار فراوانی بر وجود آن در دست است، گذشته از آیات قرآن که از مقوله سخن گفتن خدا با بعضی از صالحان صحبت کرده است، می‌بینیم مردان بزرگی با دعوتی که محتوای آن مافوق افکار بشر است به سوی انسان‌ها می‌آیند و آنها را به خدا و آیین الهی دعوت می‌کنند و معجزات و خارق‌عاداتی که نیز فوق طاقت بشر است با خود دارند که ارتباط آنها را با عالم غیب روشن می‌سازد، خلاصه آثار نمایان است اما حقیقت آن بر ما مخفی و پوشیده است. بدنیست این موضوع را با مثالی روشن‌تر سازیم: فرض کنید ما در میان شهر کوران (البته کوران مادرزاد) با دو چشم بینا زندگی کنیم. تمام اهل شهر، بنا بر فرض، چهار حسی هستند و تنها ما هستیم که آدم «پنج حسی» می‌باشیم. پیوسته با چشم خود، حوادث زیادی را در آن شهر می‌بینیم و به اهل شهر، خبر می‌دهیم، اما آنها همه تعجب می‌کنند که این حس مرموز پنجم چیست که دایره فعالیتش این‌گونه وسیع و گسترده است؟ هر قدر بخواهیم درباره حس بینایی و عملکرد آن برای آنها بحث کنیم، بی‌فایده است و جز شبح مبهمی در ذهن آنها چیزی نمی‌آید. از یک سو نمی‌توانند آن را انکار کنند، چون آثارش را می‌یابند و حس می‌کنند و از سوی دیگر نمی‌توانند حقیقت بینایی را دریابند چون در تمام عمر حتی یک

## کیفیت کلام الهی

\* کیفیت کلام الهی

در سوره شوری در آیه ای خداوند به صورت سربسته و خلاصه از کیفیت کلام حضرت حق سخن گفته است . البته چنانکه پیش از این گفتیم ، حقیقت این رابطه را بیان نفرموده است و برای ما آدمیان اصلاً قابل شناخت نیست . خداوند در آیه مورد اشاره می فرماید : « و ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیاً او من وراء حجاب او یرسل رسولاً فیوحی باذنہ ما یشاء انه علی حکیم . » (شوری ، ۴۲/۵۱) « و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید مگر از راه وحی یا از پشت حجاب یا رسولی می فرستد و به فرمان او آنچه را بخواهد وحی می کند چرا که او بلند مقام و حکیم است . »

غالب مفسران شیعه و سنی آیه شریفه فوق را ، تفسیر رابطه تفهیمی - کلامی خدا با بشر دانسته اند که در آیات دیگر به صورت اجمال نیز آمده است . ۴ بعضی استثنای موجود در آیه را متصل و بعضی منقطع دانسته اند . کسانی که آن را متصل گفته اند ظاهراً رابطه تفهیمی خدا با بشر را از نوع رابطه کلامی می دانند و آنان که قایل به انقطاع آن هستند به حسب ظاهر به وجود رابطه کلامی اعتقادی ندارند و تفهیم خدا با بشر را از سنخ رابطه دیگری می دانند . ۵

چنانکه قبلاً گفتیم ، اطلاق کلام بر عمل تفهیم و تعلیم خدا با بشر ، اطلاق حقیقی است ، بنابراین استثنای به « الا » در آیه یاد شده ، استثنای متصل است و از این رو اقسام سه گانه مذکور در آیه ، کلام هستند . از مجموع آیه چنین بر می آید که راه ارتباط پیامبران با خدا منحصر در سه راه است : وحی ، از پشت حجاب و فرستادن رسول . آیا اینها به رغم اختلاف در تعبیر ، یکی هستند یا سه راه می باشند ؟ ظاهراً تردیدی که از مفهوم کلمه « او » در آیه مستفاد می شود و نیز اختلافی که در نحوه و ترکیب بیان اقسام سه گانه مشاهده می گردد ، نشان می دهد که میان آنها تغایر وجود دارد . علامه طباطبائی در همین رابطه می نویسد :

« ظاهر التردید فی الایه ، باؤ ، هو التقسیم علی مغایرة بین الاقسام و قد قید البسمان الاخیران

بقید الحجاب و الرسول الذی یوحی الی النبی ، و لم یقید القسم الاول بشیء . » ۶

غالب مفسران به این تفاوت قایل هستند . ۷ تفاوت اینها در چیست ؟ فخر رازی می نویسد :

« رسیدن وحی از جانب خدا به بشر ، یا بدون واسطه مبلّغ است یا با واسطه مبلّغ ، آن جا که وحی بدون واسطه شخصی دیگر به بشر می رسد یا به این صورت است که عین کلام الله را نمی شنود یا اینکه آن را می شنود ، در مورد اول که نمی شنود مراد از « وحی » در قول خدا « **الا وحیاً** » است ؛ صورت دوم که می شنود مراد از « **من وراء حجاب** » در بیان آیه شریفه است و صورت سوم آن است که وحی به بشر برسد لکن به واسطه شخصی دیگر و مراد از « ارسال رسول » در قول خدای



تبارک و تعالی همین است.<sup>۸</sup>

دیگری می‌نویسد:

«این اید کلام خدا را بر سه قسم تقسیم کرده، بعضی بلاواسطه‌اند و بعضی با واسطه‌اند. آنجا که با واسطه است به واسطه تنها مظهر کلام خداست یا آنکه خود مصدر قریب آن است و مصدر نهایی الله است، اولی وحی است، دومی من وراء حجاب و سومی ارسال رسول.<sup>۹</sup>»

### منشأ تفاوت در کلام الهی

چرا چنین تفاوتی در کیفیت کلام الهی بوجود می‌آید؟ این تفاوت از کجا ناشی شده است؟ آیا این اختلاف ریشه در عارض شدن حالات مختلف بر ذات حق دارد؟ یا به حالات مختلف انسان کامل بر می‌گردد؟ بدون تردید فرض اول باطل است چرا که خداوند کمال محض و خالی از هرگونه نقص می‌باشد. در نتیجه دستخوش حالات گوناگون نمی‌گردد، در همین آیه خداوند به دو صفت علو و حکمت توصیف شده است یعنی در بالاترین حد علو و حکمت قرار دارد. بنابراین تصور صحیح از مسأله این است که این حالات مربوط به شخص شنونده کلام است نه گوینده آن و خداوند به موجب علو مقامش چنین است که هر کسی توان شنیدن کلامش را ندارد و چون حکیم است می‌داند با بشر چگونه سخن بگوید. در نتیجه این تفاوت مراتب، تحقق پیدا می‌کند.<sup>۱۰</sup>

### مصادق‌ها و نمونه‌ها

آیا خدا بدون واسطه با کسی سخن گفته است؟ آیا با واسطه مظهر یا از پشت حجاب با کسی تکلم کرده است؟ آیا با واسطه پیک و رسول، نسبت به فردی «کلام الهی» تحقق یافته است؟ آیا این سه قسم کلام به گونه مانعة الخلو است یعنی اگرچه خارج از این سه، گونه دیگری نیست ولی امکان دارد که خداوند با کسی از هر سه قسم سخن بگوید یا به صورت مانعة الجمع است یعنی اجتماع آنها در یک فرد امکان ندارد. بسیاری از مفسران با استفاده از آیه ۵۳ سوره شورا گفته‌اند: هر سه قسم، درباره پیامبر ﷺ تحقق یافته است.<sup>۱۱</sup> و نیز غالباً نوع تکلیم خدا با موسی ﷺ را از قسم دوم دانسته‌اند.<sup>۱۲</sup>

آیه‌ای که معمولاً درباره نوع تکلیم خدا با موسی ﷺ مورد توجه و استناد مفسران قرار گرفته، این است که خداوند می‌فرماید: «فلما أتاه نودی من شاطئ الواد الأيمن فی البقعة المباركة من الشجرة ان یا موسی ائی انا الله رب العالمین.» (قصص، ۲۸/۳۰) «هنگامی که به سراغ آتش آمد از کرانه راست دره، در آن سرزمین پربرکت از میان یک درخت ندا داده شد که: ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان.»

بعضی گفته‌اند: مشهور این است که موسی ﷺ کلام الله را بدون واسطه شنید، به دلیل

خداوند متعال: «فاستمع لما یوحی» (طه، ۱۳/۲۰) و گفته شده: محمد ﷺ نیز بدون واسطه کلام خدا را شنیده به دلیل خداوند متعال: «فاوحی الی عبده ما اوحی» (نجم، ۱۰/۵۳) در اینجا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش وحی کرد. ۱۳

دیگری می نویسد: قسم اول درباره بسیاری از انبیا بوده است مانند نوح ﷺ که خداوند می فرماید: «فاوحینا الیه ان اصنع الفلک باعیننا و وحینا.» (مؤمنون، ۲۳/۲۷) «ما به نوح وحی کردیم که کشتی در حضور ما و مطابق فرمان ما بساز.» و از پشت حجاب آن گونه که خداوند در کوه طور با موسی سخن می گفت: «و کلم اللّٰه موسی تکلیماً» (نساء، ۴/۱۶۴) و از طریق ارسال رسول آن گونه که درباره پیامبر اسلام ﷺ آمده: «قل من کان عدواً لجبریل فانه نزله علی قلبک باذن اللّٰه» (بقره، ۲/۹۷) ۱۴

با عطف نظر به آنچه گذشت، معلوم می شود که اجمالاً درباره پیامبران علیهم السلام این سه نوع وحی تحقق یافته است. به طور مشخص بر پیامبر اسلام ﷺ فرشته نازل شده و به حضرت موسی ﷺ از طریق درخت که مصداق قسم دوم است این امر تحقق یافته است. درباره سایر انبیا مسأله چندان روشن نیست.

## اقسام وحی الهی (کلام الهی) وحی

مفسران بر اساس کتب معروف لغت برای وحی معانی زیر را ذکر کرده اند: اشاره، کتابت رساله، الهام و سخن پوشیده و هر آنچه به غیر القا کنی. ۱۶ اشاره سریع، خواه با کلام رمزی باشد و یا صدای خالی از ترکیب کلامی و یا اشاره با اعضا و یا با نوشتن. ۱۷ در اصطلاح قرآنی به معنای خاص (درباره انسان): «وحی پدیده ای است روحانی که در بعضی از مردم پدید می آید که با آن به حقایق روحی ممتاز می گردند که آنان را سزاوار اتصال به ملائعالی می گرداند و این مکاشفه در باطن نفس است یا با شنیدن که گیرنده وحی احساسی ناگهانی را در می یابد که از خارج وجودش بر او نازل می شود و برخاسته از ضمیر خود او نیست.» ۱۸ «وحی یک نوع تکلیم آسمانی (غیر مادی) است که از راه حس و تفکر عقلی درک نمی شود بلکه با درک و شعور دیگری است که گاهی در برخی از افراد - به حسب خواست خدایی - پیدا می شود و دستورات غیبی یعنی نهان از حس و عقل را از وحی و تعلیم خدایی دریافت می کند.» ۱۹

وحی هم مقسم و هم قسم

وحی به معنایی که گذشت عنوان کلی برای رابطه های مرموز و اسرارآمیزی است که خدا با

آفریدگانش دارد و لذا شامل همه اقسام سه گانه ای که ذکر شد می شود. به این معنا وحی در آیات بسیاری آمده است. مانند خداوند متعال: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ» (نساء، ۱۶۳/۴)؛ «و ما ارسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم». (نحل، ۱۶/۴۳) در این قبیل آیات وحی به صورت مطلق ذکر شده که شامل هر سه نوع یاد شده در بالا می شود.

از سوی دیگر در آیه ۵۱ سوره شورا، تکلیم الهی (وحی) به سه قسم، تقسیم شده است: وحی، از پشت حجاب و ارسال رسول. با ملاحظه این دو دسته آیات می بینیم وحی هم مقسم واقع شده که یکی از اقسام آن وحی است و هم قسم آن و قسیم و هم عرض ارسال رسول و من وراء حجاب. جمع میان این دو چگونه صورت می گیرد؟

در این باره می توان گفت: چنانکه قبلاً گفته شده، اصل ارتباط تفهیمی میان خدا با بشر، ارتباطی مرموز و اسرارآمیز است و به گونه ای تحقق پیدا می کند که برای ما انسان های عادی و ساکن در نشئه مادی قابل شناخت و درک نیست. از این نظر با معنای لغوی وحی که در آن اشاره از یک سو و سرعت از سوی دیگر نقش های اصلی را ایفا می کنند، تناسب دارد و چون چنین است کلمه وحی برای ارتباط مرموز و سریع انبیا با عالم غیب و ذات پاک پروردگار استخدام شده است. این معنا شامل هر سه قسم رابطه کلامی مورد بحث می شود. از طرف دیگر چون ارتباط مستقیم و بالمباشرة خدا با انسان از دو ارتباط دیگر مرموزتر و اسرارآمیزتر است و یکباره در قلب پیامبر ﷺ واقع می شود، اختصاص یافتن لفظ وحی بر آن از اولویت برخوردار است. ۲۰

### وحی در عرض و قسیم دو قسم دیگر

بد نیست در این رابطه به نقل گفته های تنی چند از مفسران و عالمان علوم قرآنی پردازیم:

- القای در قلب، بر سبیل الهام؛ ۲۱

- سخن گفتن نهانی بدون آنکه واسطه ای بین خدا و پیامبر قرار گیرد؛ ۲۲

- آگاه کردن ضمیر و درون بدون صدا کردن؛ ۲۳

- القای در باطن و درون که موحی الیه (پیامبر) آن را درک و احساس می کند مثل اینکه بر

صفحه دلش نوشته شده است یا رؤیا در خواب. ۲۴

### معنای بلاواسطه

در این باره که گفته می شود در این قسم، واسطه ای بین گوینده و شنونده نیست و ارتباط بالمباشرة می باشد، این به چه معنا است؟ معنای آن این است که خود پیامبر ﷺ یا شنونده و دریافت کننده کلام الهی، همه مراحل واسط میان خود و خدا را طی کرده و مصدر اصیل را ادراک می کند و از آنجا وحی را می گیرد و به همراهش می آورد و الا چنین نیست که فیض از



مصدر اول ظهور کند و بدون طی مجاری وسط به عالم طبیعت برسد. طفره نه در قوس صعود راه دارد و نه در قوس نزول یعنی نه میسر و ممکن است که فیض از مصدر اولیه آن بدون طی مجرای وسط به سطح نازل عالم هستی که دنیا است برسد و نه ممکن است که یک موجود طبیعی بدون طی مجرای وسط به سطح نازل عالم هستی که دنیا است برسد و نه ممکن است که یک موجود طبیعی بدون طی درجات و مراتب متوسط عندالهی شود. بنابراین پیامبر ﷺ که بلاواسطه وحی را از خدا دریافت می کند کسی است که این مراحل وسط را در درون خود طی کرده است. ۲۵ این نکته قابل توجه است که وحی از طریق القای به قلب، گاهی در بیداری صورت می گیرد و گاه در خواب و رؤیای صادقه چنانکه درباره ابراهیم ﷺ و دستور ذبح اسماعیل ﷺ آمده است. ۲۶ از بعضی روایات استفاده می شود که هنگامی که ارتباط مستقیم و بلاواسطه میان خدا و پیامبر برقرار می شد، پیامبر ﷺ سنگینی فوق العاده ای احساس می کرد تا آنجا که گاه مدهوش می شد، چنانکه در توحید صدوق از امام صادق ﷺ نقل شده که از او پرسیدند: آن حالت مدهوشی که به پیامبر ﷺ به هنگام وحی دست می داد چه بود؟ فرمود: این هنگامی بود که در میان او و خدا هیچ کس واسطه نبود و خداوند مستقیماً بر او تجلی می کرد. ۲۷

### من وراء حجاب

این کلمه یک معنای ظاهری دارد که از پشت حجاب معنا می دهد و این معنا متضمن اختصاص به مکان و جهت معین است. این معنا درباره خداوند محال است، زیرا دلایل عقلی و نقلی فراوانی دلالت دارند بر اینکه غیرممکن است خداوند در مکان و جهت خاصی باشد. او مکان و جهت آفرین است و خود در مکان و جهت قرار نمی گیرد. بنابراین منظور از «من وراء حجاب» یعنی بیرون از شیئی که بر آن احاطه دارد و به همین معنا درباره خدا آمده است: «والله من وراءهم محیط» (بروج، ۲۰/۸۵) و به قول آیت الله جوادی آملی در این نوع کلام واسطه (حجاب) مظهر کلام است اگر از حجاب درخت، موسی ﷺ گفتار «انی انا الله» (قصص، ۲۸/۳۰) را شنید، گوینده، خود درخت نبوده بلکه خداوند بود که از ورا و بیرون شجر که حجاب است با موسی ﷺ تکلم فرمود. ۲۸

### تعبیر کنایی یا تمثیلی

گفتیم که تعبیر «من وراء حجاب» تعبیری مجازی و کنایی است. درباره وجه تناسب آن، گفته های چندی وجود دارد:

چون در چنین حالتی شخص (پیامبر ﷺ) کلام خدا را می شنود در حالی که گوینده را نمی بیند، شبیه به آن است که گوینده از پشت حجاب سخن بگوید و این مشابهت، سبب مجاز در تعبیر شده



ممکن است مراد از حجاب، حجاب معنوی باشد و آن بدان خاطر است که فاصله میان خدا و بشر به دوری و فاصله میان کمال واجب و نقص ممکن می باشد. ۳۰

ممکن است وجه این مجازگویی آن باشد که در جریان وحی، جمیع آفریدگان از شنیدن کلام خدا به جز آن کسی که خدا با او سخن می گوید منع می شوند. ممکن است این بدان خاطر باشد که محل کلام در چنین حالتی از شنونده پوشیده نگه داشته می شود و در نتیجه او نمی داند که از کجا این سخن را می شنود. ۳۱

بعضی از مفسران «من وراء حجاب» را شامل رؤیای صادقه بشر نیز می دانند. ۳۲

### ارسال رسول

عموم مفسران گفته اند که مراد از ارسال رسول، القای وحی به واسطه فرشته است و از میان فرشتگان الهی جبرئیل در این رابطه شهرت و معروفیت بیشتری دارد و در قرآن از آن به همین عنوان (پیک وحی) در آیات متعدد یاد شده است. به موجب ظاهر آیه ۵۱ سوره شورا، رسول (واسطه وحی) به اذن خدا خواسته های خدا را وحی می کند. برای نمونه به یکی دو آیه اشاره می شود: «قل من كان عدواً لجبرئيل فانه نزله على قلبك باذن الله» (بقره، ۹۷/۲)، یا آیه شریفه «نزل به الروح الامين . على قلبك» (شعراء، ۱۹۳/۲۶، ۱۹۴)

درباره این قسم از اقسام سه گانه کلام الهی، مطالبی برای بحث جا دارد مثل اینکه این فرشته چگونه وحی را بر پیامبر فرود می آورد. آیا بر قلب پیامبر یا بر مسامع او نازل می کند و آیا پیامبر او را می بیند یا نمی بیند و... که ان شاء الله در بحث از کیفیت وحی قرآن مجید به آنها خواهیم پرداخت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### خاتمه

۱. وحی در جمیع این اقسام به خدای متعال نسبت صدوری دارد لکن در یکی بلاواسطه و در دیگری مع الواسطه. به همین جهت در پاره ای از آیات، خداوند مطلق وحی را به خود نسبت داده است مانند: «انا اوحینا الیک كما اوحینا الی نوح والنبيين من بعده.» (نساء، ۱۶۳/۴) و نیز: «وما ارسلنا من قبلک الا رجالاً نوحی الیهیم.» (یوسف، ۱۰۹/۱۲ و نحل، ۴۳/۱۶) و نیز: «بما اوحینا الیک هذا القرآن» (یوسف، ۳/۱۲)

۲. در ارتباط کلامی به واسطه یک پیک خاص، آیا پیامبر تنها کلمات تکلم شده را می شنود یا آنکه عملاً شخص گوینده را می بیند؟ از ظاهر پاره ای آیات قرآن استفاده می شود که حضرت محمد ﷺ تنها شنونده کلام فرستاده خدا نبوده بلکه بیننده نیز بوده است، در بحث دیگری این





۱. آیات مربوط در مقاله ای با عنوان معنای کلام الهی توسط نگارنده در شماره قبلی مجله بینات (۲۴)، به تفصیل آمده است.
۲. علاقمندان می توانند به نوشته نگارنده در همین موضوع مراجعه نمایند.
۳. تفسیر نمونه، ۲۰/۴۹۵-۴۹۷.
۴. المیزان، نمونه، مجمع البیان، تفسیر کبیر فخر رازی، تفسیر جواهر طنطاوی، التمهید فی علوم القرآن، تفسیر موضوعی قرآن مجید، جوادی آملی، ج ۳.
۵. محمد جواد مغنیه، تفسیر الکاشف، استثناء را منقطع دانسته است و غالب مفسران آن را متصل گفته اند.
۶. المیزان، ۲/۳۱۴.
۷. المیزان، مجمع البیان، تفسیر کبیر، التمهید فی علوم القرآن، التبیان.
۸. تفسیر الکبیر ذیل آیه ۵۱ سوره شورا.
۹. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن، ۳/۲۵۲-۲۵۵، المیزان، ۲/۳۱۴.
۱۰. تفسیر موضوعی قرآن مجید، ۳/۲۵۷.
۱۱. التمهید فی علوم القرآن، ۱/۵۵، المیزان، ۲/۵۵، نمونه، ج ۲۰، تفسیر کبیر، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۳.
۱۲. همان.
۱۳. تفسیر الکبیر ذیل آیه ۵۱ سوره شورا بحث چهارم از مسأله پنجم.
۱۴. تفسیر نمونه، ۲۰/۴۹۹.
۱۵. مجمع البیان، ۹-۱۰/۵۷، ۵۸.
۱۶. خرمشاهی، ترجمه و توضیحات قرآن کریم / ۱۰۵، تفسیر نمونه، ۲۰/۴۸۹، مجمع البیان، ۹-۱۰/۵۵.
۱۷. همان.
۱۸. التمهید، ۱/۲۶؛ خرمشاهی، ترجمه و توضیحات قرآن کریم / ۱۰۵.
۱۹. علامه طباطبائی، قرآن در اسلام / ۱۰۷.
۲۰. در تفسیر الکبیر همین مضمون آمده است، المسأله الأولى، ذیل آیه ۵۱ سوره شورا.
۲۱. همان.
۲۲. المیزان، ۲/۷۳.
۲۳. مجمع البیان، ۹-۱۰/۵۷.
۲۴. التمهید، ۱/۵۵.
۲۵. تفسیر موضوعی قرآن مجید، ۳/۲۵۴-۲۵۶.
۲۶. تفسیر نمونه، ۲۰/۴۸۷.
۲۷. همان، ۲۰/۴۵۰؛ المیزان، ج ۱۸- مجمع البیان، ج ۹-۱۰؛ تفسیر موضوعی قرآن مجید، ۳/۲۵۵.
۲۸. تفسیر موضوعی قرآن مجید، ۳/۲۵۳.
۲۹. فخر رازی، تفسیر الکبیر، ذیل آیه ۵۱ شورا.
۳۰. التمهید، ۱/۵۵.
۳۱. مجمع البیان، ۹-۱۰/۵۷.
۳۲. المیزان، ۱۸/۷۴؛ تفسیر موضوعی قرآن مجید، ۳/۲۵۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

